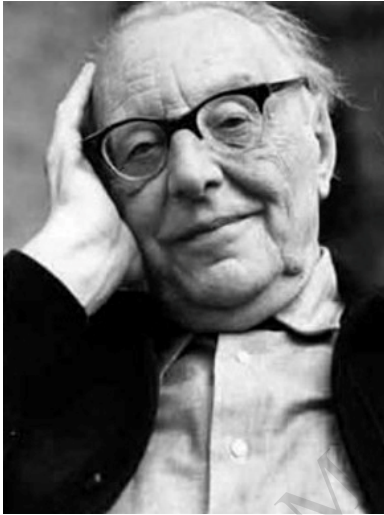


کارل اُرف

بهمن مه‌آبادی



کارل ارف

کارل اُرف^۱ در دهم ژوئیه سال ۱۸۹۵ در مونیخ چشم به جهان گشود. او از پنج سالگی، آموزش نوازندگی پیانو، ارگ و چلو را آغاز کرد و به زودی در هم‌نوازی با مادرش بر روی پیانو با موسیقی سنفونیک و اپرای دوران کلاسیک و رمانتیک آشنا شد و با صدای سوپرانوی زیبای دوران کودکی‌اش، به اجرای دوئت با مادرش پرداخت. دیدار منظم از برنامه‌های کنسرت و تأثر، استعداد هنری او را شکل داد. در همان ایام، اولین داستانش را در مجلهٔ کودکان به چاپ رساند و در ۱۶ سالگی بدون آنکه از علم آهنگسازی سررشته‌ای داشته باشد، با آموختن از پارتیتور موسیقیدانان بنام، مجموعهٔ لیدهای خود را بر مبنای آثار

مختلف و از آن جمله آثار کارل اشتیله^۲ منتشر کرد که دارای محتوایی رمانتیک و بیانی مستحکم و گویا در فن آواز بود. گروه موسیقی ارتش که پدر نیز عضو آن بود گاه‌گاهی در تمرینات خود اولین آثار سازی این جوان را که هنوز پختگی لازم را نداشت، نواخت.

خاندان ارف اکثراً نظامی بودند. پدر بزرگ او دکتر کارل فون ارف^۳ (۱۷ دسامبر ۱۸۱۷ – ۳۱ ژانویه ۱۸۹۵) سرلشگر و دانشمند بنام نجوم و مساحی و کارل کوستلر دیگر پدر بزرگش از جانب مادری، افسر و مورخ. لذا دیسپلین نظامی و آلمانی، ارف را آدمی با شخصیت و با تعاریف مشخص بار آورد. او دارای استعداد فوق‌العاده‌ای در خلق تصویرهای غیرواقعی و رویایی بود و با علاقهٔ خاصش به زبان آلمانی، زبان‌های قدیمی همچون لاتین و یونانی، گیاه‌شناسی و تمام علوم طبیعی، راه و روش خاصی را دنبال کرد و آرام آرام به این نتیجه رسید که وظیفه‌اش حفظ دنیای معنوی آثار گذشتگان، چیزهایی همانند دنیای باشکوه شکسپیر یا تراژدی آنتیک است. بنابراین به تلاش برای درک احساس اولیه و طبیعی موجود در نهن بشری پرداخت و به خصوصیات انسان دوران خود نزدیک‌تر شد و با طرح اشکالی ابتدایی از نمایش، ریتم و فواصل موسیقی، تخیل خود را سازمان داد و موفق شد

¹ Carl Orff

² Karl Stieler

³ Karl von Orff



کارل اشتیالر

موسیقی و تأثر را با سادگی‌های اولیه درهم آمیزد و قادر به خلق روشی شود که می‌تواند گویای احساسات انسانی باشد. در نتیجه بی‌راه نیست که ادعا کنیم دنیای معنوی ارف با تکنیک موسیقی او نیز در ارتباط است و به همین دلیل محتوای بیان و اندیشهٔ موزیکال‌اش با موسیقی معمول و مدون متفاوت به نظر می‌رسد. لذا موسیقی معنوی و متفکر او، در حفظ سادگی و برگشت به ضمیر ناخودآگاه و آگاه موسیقی اولیه، موفق به نظر می‌رسد که تأثیر غیر قابل انکاری در طراحی آلات و ادوات موسیقی او نیز بر جای می‌گذارد.



کارل فون ارف

کارل ارف در نیمه اول سال ۱۹۱۱ بیش از پنجاه لید برای آواز به همراهی پیانو تصنیف کرد که بر اساس متون لودویگ اولاند^۴، نیکولاس له‌ناو^۵، فردریش هولدرلین^۶، موریس فن مونسهاوزن^۷، ردولف باومباخ^۸، تئودور اشتروم^۹، هرمان لینگ^{۱۰}، هانریش هاینه^{۱۱}، فردریش نیچه^{۱۲} و غیره بنا شده‌اند. او در این دوران هنوز آموزش جدی تئوری موسیقی را آغاز نکرده بود. با این همه، (چنین گفت

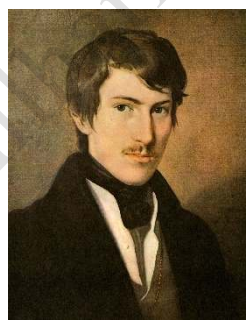
زرتشت^{۱۳}) از نیچه را در ماه مه سال ۱۹۱۲ و تحت عنوان اپوس ۱۴ برای ارکستر سازهای بادی، دو پیانو، دو هارپ و پرکاشن به همراه کر و باریتون تصنیف کرد که به نسبت موسیقی آن دوران از ساختاری نو برخوردار بود.



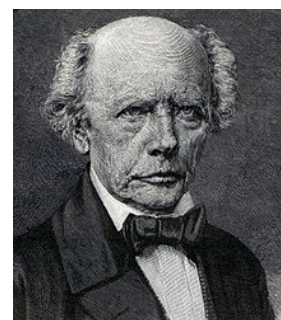
موریس فن مونسهاوزن



فردریش هولدرلین



نیکولاس له‌ناو



لودویگ اولاند

⁴ Ludwig Uhland

⁵ Nikolaus Lenau

⁶ Friedrich Hölderlin

⁷ Börries von Münchhausen

⁸ Rudolf Baumbach

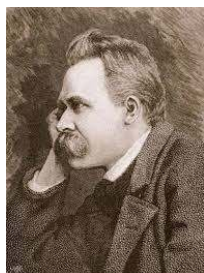
⁹ Theodor Storm

¹⁰ Hermann Lingg

¹¹ Heinrich Heine

¹² Friedrich Nietzsche

¹³ Also sprach Zarathustra



فردریش نیچه



هانریش هاینه



هرمان لینگ



تئودور اشتروم



رُدولف باومباخ

این اثر اولین موسیقی بزرگ ارف محسوب می‌شود که دارای سه موومان است: ۱- ترانه شب، ۲- نیمه شب، ۳- پیش از طلوع خورشید. ارکستراسیون ارف در "ترانه شب" عبارت است از: ابوا دامور^{۱۴}، انگلیش هورن^{۱۵}، کلارینت^{۱۶}، فاگوت (باسون)^{۱۷}، کنترافاگوت^{۱۸}، چهار فرنچ هورن^{۱۹}، ترومبون^{۲۰}، توبا^{۲۱} و تام تام^{۲۲}. این وضعیت در موومان دوم بنام "نیمه شب" البته دچار تغییر می‌شود: ابوا^{۲۳}، کلارینت، باس کلارینت^{۲۴}، دو فاگوت، چهار فرنچ هورن، سه ترومپت^{۲۵}، دو توبا، تام تام، پرکاشن و هارپ. در موومان "پیش از طلوع خورشید" چند فلوت، ابوا دامور، انگلیش هورن، کلارینت، باس کلارینت، فاگوت، کنترا فاگوت و سازهای بادی فلزی، چند پیانو، دو هارپ و چند ساز پرکاشن نیز حضور دارند.



ترومپت



باس کلارینت



ابوا



کنترافاگوت



فاگوت



کلارینت



انگلیش هورن



ابوا دامور

¹⁴ Oboe d'amore

¹⁵ English horn (Cor anglais)

¹⁶ Clarinet

¹⁷ Fagotto (Bassoon)

¹⁸ Contrabassoon

¹⁹ French horn

²⁰ Trombone

²¹ Tuba

²² Tamtam

²³ Oboe

²⁴ Bass clarinet

²⁵ Trumpet



توبا



تام تام



ترومبون



فرنچ هورن

همه این اتفاقات باعث ارتقاء سطح علمی و تشکیل هاله‌ای از معنویت در موسیقی ارف می‌شود که این مهم با تلاش او در سادگی و حفظ اشکال اولیه، کمال مطلوب را به ارمغان می‌آورد. او از روش‌های تصنعی و غیرطبیعی دوری می‌کند و به سرشت و نهاد بشری خود برمی‌گردد و از ترکیب موسیقی، زبان و حرکت به ایده‌آل خود دست می‌یابد. او در اصل فرم‌بندی و اسلوب‌های نقاشی کوبیسم را برمی‌گزیند. لذا آثارش مملو از ریتم و ملودی می‌شود و با هوشمندی از مفهوم ایمیلتاسیون^{۲۶} که به تقلید و تکرار عناصر ساختمانی موسیقی تأکید دارد، سود می‌جوید. ممکن است بتوان ادعا کرد که او در جستارهای موسیقایی خود، نظری به شرق نیز داشته است. ساختمان موسیقی ارف از نظر سازی بر مبنای سادگی بنیان نهاده می‌شود. او از فواصل دوم، پنجم و اکتاو که دارای سادگی



کارل ارف

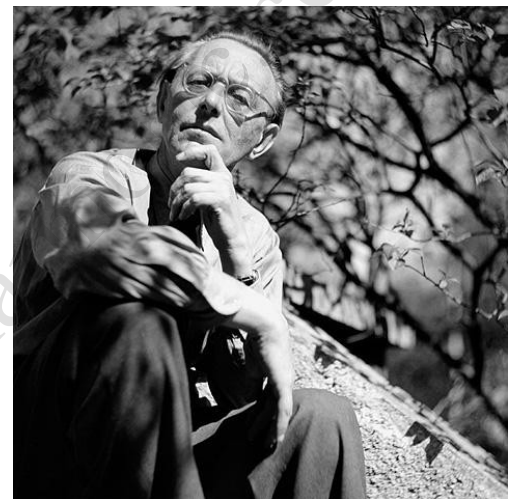
اما بیانی قوی هستند، سود می‌جوید و به ملودی‌های محدود شونده که به یک تُن ختم می‌شوند پناه می‌برد و همانند دیگر هم‌وطنش، آرنولد شوئنبرگ^{۲۷} و البته در شکل و ساختاری کاملاً متفاوت، به نوعی رسیئاتیف یا "آوا گفتار" دست می‌یابد. این ترکیب متعلق به بیان معنوی ارف است که با تمام سادگی و قابل هضم بودن از متعالی‌ترین ساختار برخوردار می‌باشد و هرگز از موسیقی ناب و آکادمیک روی‌گردان نیست.



آرنولد شوئنبرگ

کارل ارف قوانین اولیه موسیقی تأثیری را که در موسیقی چینی، ژاپنی یا کره‌ای وجود دارد، مورد توجه قرار می‌دهد و از آن‌ها مستقیماً در آثارش استفاده می‌کند. به طوری که برای جلوه‌گر ساختن مطلق زیبایی، هر آوایی را حتی در سومها و دیسونانس‌ها با آغوش باز می‌پذیرد و از این راه به دنیای اثری و جادویی موسیقی‌های خود می‌رسد.

برای او ارزش سمبولیک هر آوا مهم است، لذا با توجه به این، وی در رویای شب تابستانی، جهش‌های اکتاو و طنین فاصله پنجم را برجسته می‌سازد و از این راه به تداعی زیبایی دست پیدا می‌کند. در سال ۱۹۱۹ به مونیخ باز می‌گردد تا تمام اوقات خود را صرف آهنگسازی کند. اما از تعلیم و تربیت نمی‌تواند چشم‌پوشد، عشق او به ادبیات مدرن، بویژه اکسپرسیونیسم و آثار فرانس ورفل^{۲۸} او را به خلق لیدهای فراوانی وا می‌دارد. در این سیر آفرینش، شعر شاعرانی هم‌چون جورج تراکل^{۲۹}، آلفرد هینکه کلابوند^{۳۰} و نیچه حضور دارند.



کارل ارف

ارف ناآرام و ناراضی، این بار به مطالعه بر روی آثار اورلان دی لاسو^{۳۱}، جووانی دو پالستینا^{۳۲}، آندره گابریلی^{۳۳} و

²⁷ Arnold Schoenberg

²⁸ Franz Werfel

²⁹ Georg Trakl

³⁰ Alfred Henschke Klabund

³¹ Orlande de Lassus

³² Giovanni da Palestrina

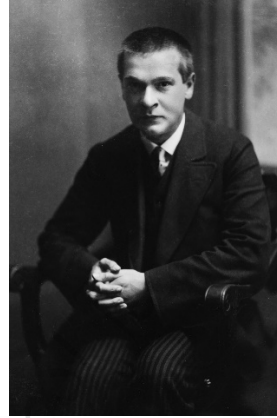
³³ Andrea Gabrieli



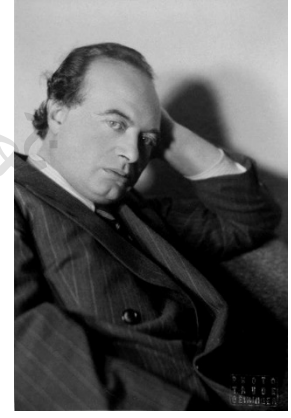
اورلان دی لاسو



آلفرد هینکه کلابوند



جورج تراکل



فرانس ورفل



کلودیو مونتهوردی



جووانی گابریلی



آندره گابریلی



جووانی دو پالسترینا

جووانی گابریلی^{۳۴}، کلودیو مونتهوردی^{۳۵} می‌پردازد. در سال ۱۹۲۴ با دوروته گونتر^{۳۶}، مدرسه گونتر^{۳۷} را تأسیس می‌کند. آموزشگاهی که در واقع قرار است ژیمناستیک و رقص را با هم بیاموزد. این مدرسه محل تجربه‌اندوزی ارف است، تا اینکه در سال ۱۹۳۰ اولین طرح شول‌ورک^{۳۸} یا مدرسه کار ارائه می‌شود و بر این مبنا سازهای ضربی جدید با همکاری کارل مندلر^{۳۹} سازنده کلاوسن و پیانو و با مشورت کورت زاکس^{۴۰} ساخته می‌شود. این سازها با کمک گونیلد کتمان^{۴۱} یکی از شاگردان و همکاران ارف مرحله پایانی و اجرایی مدرسه کار را محقق می‌گرداند. نوازندگی سازهای ارکستر ضربی ارف که برای اولین بار فلوت نیز بدان‌ها افزوده شده است به عهده مجریان حرکات موزون گذاشته می‌شود که با موسیقی گونیلد کتمان به اجرا در می‌آید. این ارکستر رقص، شکل و چگونگی استفاده

³⁴ Giovanni Gabrieli

³⁵ Claudio Monteverdi

³⁶ Dorothee Günther

³⁷ Gunther school

³⁸ Orff Schulwerk

³⁹ Karl Maendler

⁴⁰ Curt Sachs

⁴¹ Gunild Keetman



کورت زاکس

از ابزارهای موسیقی ارف را به نمایش می‌گذارد و بدین ترتیب اشکال کاربردی آلات موسیقی ارف برای همیشه روشن می‌شود.

دوروته گونتر بنیان‌گذار مدرسه گونتر در سال ۱۹۳۵ نظر خود را در مقدمه‌ای برای قواعد و ساختار موسیقی مکتب کار چنین بیان می‌کند: "وقتی در سال ۱۹۲۴ گونتر شوله را به وجود آوردم مصمم بودم که راهی برای بازسازی عوامل طبیعی موسیقی و حرکت پیدا کنم، راهی که نه فقط برای تعدادی هنرمند با استعداد قابل حصول باشد

بلکه نتیجه‌ای تربیتی نیز به بار آورد و توان ایجاد جنبش ریتمیک و لذت آگاهی، دانایی و نواختن برای رسیدن به تمام نیروهای ناشناخته درون را در تمام انسان‌ها بیدار کند. لیکن در این طرح، هدف ایجاد پیوندی سیستماتیک و ناگسستگی بین موسیقی و حرکت بود، بطوریکه این سازمان به شکل تصادفی و شخصی بنا نشود؛ بلکه ساختار آن در غالب طرح و برنامه‌ای مدون، کامل و اساسی، ایجاد شود و به‌طور آگاه شکل گیرد و البته دارای بافتی جداناپذیر هم باشد."



مدرسه گونتر



کارف ارف در شولورک (یا مدرسه کار)

بنابراین ارف با توجه به تجارب علمی خود ریتم را بر ملودی ترجیح می‌دهد و آن را در آثارش گسترده می‌سازد. به اعتقاد او ریتم نیرویی را خلق می‌کند که به‌طور مستقیم در موجودات زنده مؤثر است و لذا نتیجه می‌گیرد که زندگی یعنی ریتم. او پس از ریتم، آواز را از اهمیت ویژه‌ای برخوردار می‌کند و به‌عنوان یک هنرمند و متخصص در آموزش و پرورش، به ریشه‌های باستانی جوامع و انسان‌ها بازگشت می‌نماید، و بدین‌گونه در مکتب کار آن‌ها را به‌کار می‌گیرد و معنوی‌تر می‌گرداند. این تجارب در انتشار اولین جزوهٔ مکتب کار، در سال ۱۹۳۱ کاملاً به چشم می‌خورد. در این اثر می‌خوانیم: "در سرآغاز هر تمرین موسیقی اعم از ریتمیک یا ملودیک، ممارست بر روی حرف زدن و سخن گفتن وجود دارد. چون ارف معتقد است که کودک ابتدا به حرکت و هیجان درمی‌آید و آنگاه حرف



گونیلد کتمان



گونیلد کتمان و کارل ارف



کارل ارف و هربرت فن کارابان

می‌زند. از این رو بی‌راه نیست که جهان امروز سعی می‌کند دنیای کودک را در نوع خود دنیای کامل تلقی کند و او را به‌عنوان یک شخصیت ویژه بپذیرد. "بی‌شک آموزش علمی و روانشناختی کودک نیز باید بر این مبنا و از همین جا آغاز شود. در این مسیر بی‌تردید هر چه بیان ساده‌تر و اصولی‌تر باشد، تأثیر قوی‌تر و مستقیم‌تر خواهد بود و در نتیجه، آموزش آگاهانهٔ کودکان، مسیر زندگی آتی آنان را مشخص خواهد کرد و تجارب آموزش موسیقی دوران کودکی، هوشیاری‌های دوران بزرگسالی را به‌همراه خواهد آورد. ارف معتقد است که آموزش موسیقی بایستی احساس انسانی را بیش از پیش در کودک در حال بالندگی تقویت کند و او را برای پذیرفتن مسئولیتی، نه تنها در کلاس درس بلکه در بیرون از محیط آموزشی نیز، برای تکرار و یادگیری ترغیب نماید و به پیش ببرد.



سازهای ارف در شول ورک (یا مدرسه کار)



آرامگاه کارل ارف

زندگی سرتاسر جستجو و تشنهٔ ارف ۲۹ مارس ۱۹۸۲ در مونیخ رو به خاموشی می‌نهد و او خسته از تلاش‌های بی‌کران، آرامش همیشگی را می‌پذیرد و این در حالیست که "کارمینا بورانای"^{۴۲} او کانتات صحنه-ای بر روی اشعار لاتین و آلمانی سفلی قرن سیزدهم، گوش‌های موسیقی دوستان جهان را می‌نوازد. اثری با سرعت و حرکتی فریبنده، بی‌آلایش، بی‌نهایت زیبا و ساده، کرانه‌ها و گوشه‌گوشهٔ سرزمین‌ها را در می‌نوردد و به ابدیت پیوند می‌خورد. کاتولی کارمینا^{۴۳} و تریونفو دی آفرودیت^{۴۴}، دو کانتات دیگر او هستند که جزء رپرتوارهای موسیقی جهانی محسوب می‌شوند.

⁴² Carmina Burana

⁴³ Catulli Carmina

⁴⁴ Trionfo di Afrodite